

## انتقام‌گیری آتشین از باجناق

رئیس کلانتری ۱۱۲ اوسبید از دستگیری مرد جوانی که برای انتقام‌گیری دست به آتش زدن خودروی گرفت؛ روز دوشنبه نوزدهم اسفندماه

به گزارش جوان، سرهنگ چنگیزایدون گفت: روز دوشنبه نوزدهم اسفندماه به افزودهٔ آتش سوزی در پارکینگ یک ساختمان در منطقه منیر به به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مخابره شده که تیمی از مأموران عملیات کلانتری و سازمان آتش‌نشانی به محل اعزام شدند.

وی افزود: مأموران با حضور در محل مشاهده کردند که دوخودروی برلیانس و پژو ۲۰۶ و یک موتورسیکلت دچار حریق شدند که پس از مهار این حریق و سوزی مأموران آتش‌نشانی، کارشناسان علت حریق را عمدی اعلام کردند و در این مرحله تحقیقات برای دستگیری عامل این آتش افروزی وارد عمل شدند. سرهنگ ایدون ادامه داد: با توجه به عمدی بودن حادثه مأموران در تحقیقات ابتدایی پی بردند که مردی تقلب‌ار باحضور در پارکینگ ساختمان اقدام به آتش زدن خودروی برلیانس کرده‌است که در مرحله بعد و بررسی دوربین‌های مداربسته ساختمان‌های همجوار محل آتش‌سوزی سرنخ پلیسی به دست آمد. رئیس کلانتری ۱۱۲ اوسبید گفت: در بررسی تصاویر مشخص شد مرد ۴۰ساله‌ای از یک خودرو پیاده شده‌و با دست گرفتن یک بطری که حاوی مواد آتش‌زا است به سمت محل حادثه حرکت کرده‌است که با به دست آمدن شماره پلاک خودرو مأموران با هماهنگی مقام قضایی در همان روز موفق به دستگیری مرد جوان شدند. سرهنگ ایدون ادامه داد: متهم پس از انتقال به کلانتری عنوان کرد: «بعد از هفت‌سال زندگی مشترک با همسرش چند ماه قبل به خاطر اختلافاتی که پیش آمده بود از همدیگر جدا شدند که عامل این جدایی دخالت‌ها و رفتارهای باجنابم بود به همین خاطر تصمیم به انتقام‌گیری گرفتم و با ورود به پارکینگ ساختمان باجنابم، خودروی برلیانسم را آتش زدم.» این مقام پلیسی در پایان گفت: متهم برای سیر مراحل قانونی در اختیار مقام قضایی قرار گرفته‌است.



### اعتراف به همدستی در سرقت به خاطر عشق به پسر عمو

دختری جوان که به اتهام سرقت از مغازه نقره‌فروشی در بازار تهران بازداشت شده‌است، می‌گوید که طراح نقشه پسر عمویش است که برای او دواچ باو حاضر به همکاری شده‌ است.

به گزارش جوان، ششم اسفندماه اسامل مردی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گزارش یک سرقت را اعلام کرد. او گفت: صاحب یک مغازه نقره‌فروشی در بازار تهران است که سارق یا سارقان نقره هایش را سرقت کرده‌اند.

بعد از اعلام سرقت بود که تیمی از مأموران کلانتری ۱۱۳ بازار در محل حاضر شدند و تحقیقات مقدماتی انجام دادند. بعد از مطرح شدن شکایت پرونده به دستور باز پرس در اختیار تیمی از کارآگاهان پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. شساکي در جریان تحقیقات بیشتر به کارآگاهان پلیس گفت: صبح امروز وقتی در مغازم را با ابرام یازم ترک دم توجه به هم ریختگی داخل مغازه شدم و خیلی زود فهمیدم که دزد به مغازم آم زده و ۱۰ کیلو نقره جات که ۲۰۰ میلیون تومان ارزش داشت سرقت شده است. با حضور تیم پلیسی آگاهی در محل و بررسی های اولیه مشخص شد که سارق یا سارقان با در دست داشتن ریموت در مغازه ارباز کرده و به راحتی مرتکب سرقت شدند

کارآگاهان در اولین گام با بررسی دوربین های مدار بسته متوجه شدند که سرقت از سوی زنی جوان رقم خورده است. براساس تصاویر به دست آمده زن جوان در حالی که صورت خود را پوشانده بود با ریموت در مغازه را باز کرده و بعد از تکاب سرقت محل را ترک کرده بود. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که کارآگاهان اطمینان پیدا کردند که سرقت از سوی فردی آشنا باید رقم خورده باشد، بنابراین در اولین گام تمرکز وی این موضوع صورت گرفت. اولین کسی که در این باره به عنوان مظنون مورد تحقیق قرار گرفت فروشنده جوانی بود که در مغازه شاکي مشغول کار بود. وحید ۳۰ساله از مدت‌ها قبل به عنوان فروشنده در مغازه مشغول کار بود. او در جریان تحقیقاتی که پلیس در این انجاش داد حرف‌های متناقضی را مطرح کرد تا اینکه اعتراف کرد نقشه سرقت از سوی او طراحی و توسط دختر عموی ۲۷ساله‌اش که فاطمه نام دارد اجرا شده است.

وحید توضیح داد: از مدت‌ها قبل بود که دچار مشکلات زیاد مالی شدم. بعد از آن بود که تصمیم گرفتم مشکلاتم را انجام سرقت حل کنم. برای همین تصمیم گرفتم از محل کار مام سرقت کنم. متهم ادامه داد: در اولین فرصت از روی ریموت مغازه برای خودم کپی کشیدم. از آنجا که من در محل کارم و همسایه‌ها شناخته شده‌بودم خودم نمی‌توانستم از محل سرقت کنم برای همین به دنبال فردی بودم که کسی به او مظنون نشود. ماجرا را با دختر عموم مطرح کردم و او قبول کرد که در اجرای نقشه به من کمک کند. متهم ادامه داد: شب حادثه و مطابق نقشه دختر عمومم با ریموتی که در اختیارم گذاشته بودم وارد مغازه شدم و نقره‌ها را سرقت کرد. نقره‌های سرقت شده را هم به خفته‌اش برد تا در فرصتی مناسب آن را به پول تبدیل کنم که بازداشت شدم. بعد از اعتراف وحید بود که کارآگاهان پلیس فاطمه را هم بازداشت و نقره‌های سرقتی را هم در خانه‌اش کشف کردند. فاطمه در بازجویی‌ها به سرقت اعتراف کرد و گفت: وحید به من قول از دواچ داده بود برای همین بود که قبول کردم در اجرای نقشه سرقت باو همکاری کنم.

سرهنگ کارآگاه حمدالله علیزاده، رئیس پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: بعد از اعتراف دو متهم به ارتکاب سرقت و انجام تحقیقات اولیه دو متهم به دستور قضایی روانه زندان شدند.

### بی‌احتیاطی راننده غلتک جان کارگر را گرفت

بی‌احتیاطی راننده غلتک در محوطه کارگاهی به مرگ کارگر منجر شد.
ته به گزارش جوان، سرسرهنگ احسان مؤمنی رئیس اداره تصادفات پلیس پایتخت توضیح داد: این حادثه در مسیر غرب به شرق بزرگراه آزادگان ورودی مرتضی‌گرد داخل محوطه کارگاهی اتفاق افتاد. باحضور تیم کارشناسی منطقه ۲۶ پلیس راهور پایتخت مشخص شد کارگر در جریان تصادف با غلتک جانفش را از دست داده‌است که جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. وی علت حادثه را بی‌احتیاطی راننده غلتک اعلام کرد.

پیدا شدن دو وارث در پرونده قتل زنی که عاملان جنایت آن ناشناخته باقیمانده است، باز پرس ویژه قتل تهران

را یا معما یی تازه مواجه کرده‌است.

به گزارش جوان، اولین بهمین‌سال ۹۶ مأموران کلانتری ۱۰۶ نامجو از قتل زن میانسالی در منزلش در شرق تهران باخبر شدند. با اعلام این خبر، باز پرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان به محل حادثه اعزام شدند. تیم جنایی بعد از شکستن قفل در از سوی مأموران آتش‌نشانی، با جسد خون‌آلود آن زن روبه‌رو شدند که در پذیرایی خانه‌اش روی زمین افتاده بود.
الت قتاله نیز جاقو بود که در محل حادثه کنار جسد قرار داشت. جسد که به خاطر گذشت زمان به پزشکی قانونی منتقل شد و پرونده با موضوع قتل عمد در دستور کار قرار گرفت. تحقیقات در این زمینه آغاز شد تا اینکه مأموران با تشخیص هویت زن میانسال در یافتند او پروین نام دارد و دو بار از دواچ کرده‌است، اما هر دو شوهرش

فوت کرده‌اند به همین خاطر مدتها تنها زندگی می‌کرده‌است.

■ ادعای اولیای دم اولی

در حالیکه تحقیقات برای شناسایی عامل یا عاملان قتل ادامه داشت، پسر ۳۲ساله‌ای به نام آرمان با مراجعه به اداره پلیس ادعا کرد پسر مقتول است. او در توضیح به مأموران گفت: «پدر و مادرم بعد از ازدواج با هم اختلاف داشتند تا اینکه من به دنیا آمدم اما پدرم در همان زمان کودکی فوت کرد. مادرم به خاطر اختلافی که با خانواده پدرم داشت مرا به آنها سپرد و بعد از آن هرگز سراقی از من نگرفت. این گذشت تا اینکه بزرگ شدم و وقتی ۲۶ساله شدم عمهام ماجرا را برام تعریف کرد. او به من گفت مادرم سرطان دارد و می‌خواهد مرا ببیند. از مادرم به خاطر اینکه مرا رها کرده بود دلخور بودم اما دلم برایش سوخت و به دیدنش رفتم. دو سالی با او رفت و آمد داشتم و با هم زندگی می‌کردیم تا اینکه سال ۹۴ با هم اختلاف پیدا کردیم. با او تماسی نداشتم تا اینکه چند روز

قبل از مرگش باخبر شدم. حالا به عنوان تنها اولیای دم می‌خواهم قاتل مادرم را پیدا کنید.»

■ ادعای اولیای دم دومی

بعد از ثبت اظهارات پسر جوان این بار پسر ۲۰ساله‌ای به نام شهرروز به اداره پلیس رفت و او هم مدعی شد پروین مادر او است. مرد جوان به مأموران گفت: «سال‌ها قبل پدر و مادرم به خاطر اختلافی که با هم داشتند از هم جدا شدند. بعد از طلاق آنها با پدرم زندگی می‌کردم و هر وقت هم سراغ مادرم را می‌گرفتم او پنهان‌های مختلفی می‌آورد تا اینکه چند سال قبل پدرم بیمار شد و خانه‌نشین شد. او بیماری سختی گرفته‌بود و دستورات لازم را برای مشخص بودن. این شد که او قبل از مرگش در مورد راز چند ساله با من صحبت کرد و گفت در این مدت من دروغ گفته و مادرم زنده است اما او پنهان‌های مختلفی می‌آورد تا مادرم نداشت.»

با معرفی دو پسر جوان به عنوان اولیای دم، باز پرس پرونده دستورات لازم را برای مشخص شدن هویت هر دو پسر جوان را صادر کرد تا اسناد و مدارکی در رابطه با نسبت‌شان با مقتول ارائه دهند. همچنین به دستور باز پرس پرونده، مقرر شد هویت پدر و مادر زن میانسال پسر جوان ادامه داد: «با اطلاعاتی که پدرم به من داده بود تلاش کردم و مادرم را پیدا کردم. مدتی با او زندگی کردم اما با هم اختلاف پیدا

کردیم و باعث شد دیگر به دیدنش نروم.» پسر جوان ادامه داد: «در این مدت یکی از دوستانم فوت کرد. برای پیدا کردن آدرس قبر او به سایت بهشت زهرا رفتم و در حالیکه اسم دوستم را جست و جومی کردم اسم مادرم به چشمم خورد. شوکه شدم و باورم نمی‌شد. بلافاصله با شماره او تماس گرفتم اما تلفن همراهش خاموش بود. از نگرانی به آدرس خانه‌اش رفتم که فهمیدم مادرم به قتل رسیده است. حالا به عنوان اولیای دم درخواست دارم قاتل یا قاتلان او را شناسایی کنید.»

با معرفی دو پسر جوان به عنوان اولیای دم، باز پرس پرونده دستورات لازم را برای مشخص شدن هویت هر دو پسر جوان را صادر کرد تا اسناد و مدارکی در رابطه با نسبت‌شان با مقتول ارائه دهند. همچنین به دستور باز پرس پرونده، مقرر شد هویت پدر و مادر زن میانسال پسر جوان ادامه داد: «با اطلاعاتی که پدرم به من داده بود تلاش کردم و مادرم را پیدا کردم. مدتی با او زندگی کردم اما با هم اختلاف پیدا

## دستبرد شبانه باربران به مغازه بازاریان



کشف کنند. نورعلی در بازجویی‌ها به سرقت‌های سرریالی از مغازهای بازار اعتراف کرد و گفت: از مدتی قبل تصمیم به تشکیل باند سرقت دادم و سه نفر از برابران را وارد باند کردم. بعد از آن بود سرقت کرده‌اند. بعد از به دست آمدن این اطلاعات و انجام تحقیقات میدانی بود که کارآگاهان موفق شدند یکی از سارقان را که مجرم سابقه‌داری به نام نورعلی بود شناسایی کنند. بررسی سوابق مرد ۲۷ساله حکایت از این داشت که او از مجرمان سابقه داری است که علاوه‌روشنی هم در اسفندسال گذشته اعتراف کرده و گفت با دستبرد به آن مغازه ۰۰ میلیون تومان به جیب زده بودند.

سردار علیرضا لطفی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ در پایان گفت: با اعتراف نورعلی به ارتکاب سرقت‌های سرریالی مشخص شد که اعضای باند او به شهر ی در غرب کشور ریخته‌اند که تحقیقات برای بازداشت اعضای باند در جریان است. وی ادامه داد: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر باند با بازجویی از نورعلی در پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

## فرجام سیاه یک آشنای اینستاگرامی

دختری که در جریان آشنایی اینستاگرامی با یک مهندس جوان زندگی‌اش به تباهی کشیده شده است ماجرا را بسرای قضات دادگاه شرح داد.
به گزارش «جوان»، سال گذشته دختر ۲۲ساله‌ای به نام آرمانی‌ها اداره پلیس رفت و از مرد جوانی به اتهام اذیت و آزار شکایت کرد. او در توضیح به مأموران گفت: «مدتی قبل از طریق اینستاگرام با پسر جوانی به نام رامین آشنا شدم. او مدعی بود مهندس کامپیوتر و مجرد است. بعد از چند بار صحبت، او و صاحب یک فرزند است. همانجا تصمیم گرفتم رابطه‌م را با او قطع کنم، اما با انجام آزمایش بارداری دنیا سرم خراب شد. این شد که ماجرا را به رامین گفتم. او قول داداگر سقط جنین کنم، به زودی از همسرش جدا می‌شود و به خواستگاری‌ام می‌آید. به خاطر آبرویم قبول کردم و نزد پزشکی که رامین معرفی کرد، زودپرم رفتم. اما بار دیگر فریب او را خوردم.»

با طرح این شکایت دختر جوان به پزشکی قانونی فرستاده شد و بعد از تأیید ادعای وی از سوی کارشناس پزشکی قانونی مهندس



تیراندازی‌های هوایی موفق به دستگیری متهم شدند.

رئیس کلانتری ۱۴۷ گلبرگ گفت: در بررسی‌ها مشخص شد متهم یکی از سارقان حرفه‌ای و دارای ۱۵قره سرقت است که دو برادر این متهم نیز به جرم سرقت در زندان هستند و ناصر که به تازگی از زندان آزاد شده در اولین نقشه سرقتش دستگیر می‌شود.

وی افزود: متهم در بازجویی‌ها ادعا کرد که قصد داشته پس از سرقت خودروی وابت با آن کار کند که دستگیر شد.

سرهنگ شریفی مقدم گفت: متهم برای سیر مراحل قانونی در اختیار مقام قضایی قرار گرفته‌است.

سر کرده یکی از شبکه‌های سرقت که شبانه به مغازه های تهران دستبرد می زند، باز داشت شد. متهم اعتراف کرده است که اسفندسال گذشته با همدستی باندش به یکی از طلا فروشی های بازار تهران دستبرد زده و ۵۰۰هملیون تومان سرقت کرده بودند.

به گزارش جوان، سردار علیرضا لطفی رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: هفتم اسفندماه اسامل چند نفر از کسبه بازار با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفتند و ماجرای سرقت را گزارش دادند. لحظاتی بعد که تیمی از مأموران کلانتری ۱۱۳ بازار در محل حاضر شدند مشخص شد که سارقان به ۱۵ مغازه یکی از پاساژها دستبرد زده و بیش از ۴۰۰ میلیون تومان سرقت کرده‌اند. بعد از تشکیل پرونده تیمی از کارآگاهان پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران به دستور باز پرس شعبه چهارم دادسرای ناحیه ۱۲ مأمور رسیدگی به پرونده شدند.

در اولین گام کارآگاهان پلیس با حضور

### اداره کل

سرتیب دوم مسعود مصدق\*

### بحران و مدیریت هیجانات اجتماعی

امروزه به واسطه سرعت تبادل اطلاعات و اخبار متنوع و گوناگون هر لحظه ممکن است شوک‌های ناگهانی و تأثیر گذار جامعه را در بر گیرد و افکار را درگیر خود کند و چه بسا به صورت متقابل باعث واکنش‌هایی آنی و هیجانی و بعضاً به دور از منطق از جانب برخی افراد اجتماع شود.
تک تک افراد جامعه با سلايق و ذهنیت‌های متنوع و گوناگون به بررسی اطلاعات و اخبار منعکس شده در فضای رسانه‌ای جامعه می‌پردازد و اخبار و اطلاعات رسیده را پیش‌داوری و فضای قضاوت می‌کند. طبیعی است که این ذهنیت‌های اکتسابی و سلیقه‌ای و احساسی که هر لحظه امکان تغییر‌شان وجود دارد نمی‌توانند فاکتورهای مناسب و خوبی برای اعمال نظر نهایی و قطعی از جانب مخاطب و در میان گذاشتن آن با دیگر افراد و در نهایت واکنشی مثبت یا منفی به وقایع باشد.

لازم است هر اتفاق مثبت یا منفی به دور از هیجانات به صورت همه جانبه و در فرصتی مناسب بررسی شود و تمامی تأثیرات آن در ایجاد گوناگون دارد توجه قرار گیرد. در این گونه موارد مسئولان و مردم وظایفی متقابل دارند. مردم می‌توانند حداکثر توان خود برای حفظ آرامش و اشاعه آن به دیگر افراد را به کار بسته و موقعیتی به دور از اشتگی و توأم با آرامش را برای مسئولان به منظور تصمیم‌گیری هر چه بهتر در مورد موضوع مورد بحث فراهم آورند و در مقابل مسئولان نیز با درک صحیح از نیازها و شرایط روحی و روانی جامعه در فضایی آرام با تصمیم‌گیری درست و به موقع و اسرآز واکنش‌هایی به دور از احساسات و تصمیمات ناگهانی، عملکردی قاطع و درست از خود نشان دهند و در نهایت به این صورت هم مشکل را برطرف کنند و هم زمینه را برای هر چه بهتر جلب شدن اعتماد عمومی مخصوصاً در شرایط مشابهی که ممکن است در آینده پیش آید، فراهم آورند.

■ راهکارهایی برای کنترل هیجانات

در وهله اول تا جایی که ممکن است از مرور اخبار تکراری و خسته کننده خودداری شود زیرا در این حالت ذهن تا روزها و ماه‌ها شما را مشغول به درگیری افکاری کند که شاید هیچ سودی برای شما نداشته‌باشد یا اتفاقاتی را مرور کند که شاید هیچگاه در واقعیت به وقوع نپیوندد و به نوعی باعث ایجاد وسوساس روحی و فکری شود. به جای فکر کردن به برنامه‌ریزی‌ها، مسائل و مشکلاتی که بعید است در بلند مدت رخ دهند، حواس خود را به برنامه‌ها و فعالیت‌های خرد و روزانه اختصاص دهید و به‌طور مثال در مواردی مانند اشاعه بیماری خاص سعی کنید با دقت توصیه‌های مربوط به امور بهداشتی را از منابع معتبر دنبال کنید و به اجرا در آورید.

در هنگام مواجهه با اخبار و اطلاعات سعی کنید تا جای ممکن آنها را به دور از هر گونه قضاوت و هیجان بررسی کرده و در صورت لزوم آن را به دیگران بدون کم و کاست و قضاوت ناصحیح انتقال دهید. اما در مقابل ارائه درست و کامل اخبار، پرهیز از حاشیه‌نگاری و منفی‌نگری و همچنین جانبداری، از مسئولیت‌های اصحاب رسانه است. مسئولان نیز باید تمام تلاش خود را به کار بسته تا از وقوع حوادث و اتفاقات غیر قابل جبران پیشگیری کنند و برای رفع مشکلات و موانع تا زمانی که مسئولیتی به گردن دارند، تمامی تلاش و همت خود را به کار برند.

در مواردی که ممکن است خطری مانند بیماری خاص، امنیت ملی و جان مردم را به خطر بیندازد و تهدیدی همه گیر و همه جانبه به حساب آید و همچنین افکار عمومی را دچار تشویش و اضطراب کند، نیاز است تا با قدرت هر چه بیشتر وارد میدان شد و با تقویت روحیه همکاری و بسیج همگانی و مددگیری از متخصصان متعهد و کاربلد همکاران و خصوصاً کسانی است که به صورت مستقیم با چالش پیش غلبه کرد، البته این امر نیازمند فداکاری و مجاهدت مسئولان، دست اندر کاران و خصوصاً کسانی است که به صورت مستقیم با چالش پیش روی دست و پنجه نرم می‌کنند و در کنار آن همکاری و همیاری تمامی شهروندان به عنوان یک وظیفه ملی و دینی از لازمه‌های برخورد با مشکلی می‌باشند، که تمامی افراد جامعه را درگیر خود کرده‌است.
متأسفانه در مسائلی مانند شیوع بیماری و حوادث و بلایای طبیعی همیشه افرادی سودجو، خودخواه و خیانتکار به منافع ملی سبب بروز ناهنجاری‌ها و مشکلات بی‌شماری برای شهروندان شده و به‌طور مثال با احتکار اقلام و اجناس ضروری، پر کاربرد و مورد نیاز در رابطه با مشکل به وجود آمده، زمینه‌ را پیش از پیش برای هر چه عمیق‌تر شدن مشکل و گسترش عواقب آن در جامعه تقویت می‌کنند.
در این موضوع به خصوص، ارگان‌ها و نهادهای امنیتی و خصوصاً انتظامی وظیفه دارند تا با همه قوا و استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود و به مقابله با سوءاستفاده گران و احتکارگران و کسانی که به هر نحوی امنیت کشور و شهروندان را با رفتار و اعمال ناشایست خود به خطر می‌اندازند، بیدارند و برخوردی جدی و قاطعانه داشته باشند تا از بروز اعمال مشابه جلوگیری به عمل آید.

\* **معاون هماهنگ کننده فرمانده انتظامی تهران بزرگ**

### باز داشت مجرمان سابقه دار باشلیک گلوله

دو مجرم سابقه‌دار با شلیک گلوله در تعقیب و گریز با مأموران کلانتری شهرک غرب باز داشت شدند.

به گزارش جوان، سرهنگ فرغام آذین رئیس کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس در خصوص این پرونده گفت: شامگاه دوشنبه نوزدهم اسفندماه مأموران گشت نامحسوس کلانتری در میدان صنعت خودروی پژو ۴۰۵ نقره‌ای رنگ را که بخشی از شکاره پلاک خودروی مخدوش شده بود مشاهده کردند و دستور است برای راننده صادر شد.

وی افزود: راننده بدون توجه به دستور ایست پلیس به مسیر خود ادامه داد و تصمیم به فرار گرفت و در این تعقیب و گریز پلیسی، مأموران با استفاده از قانون به کارگیری سلاح ابتدا چند تیر هوایی شلیک کردند اما وقتی دیدند راننده قصد تسلیم شدن ندارد لاستیک خودرو پژو ۴۰۵ هدف گلوله قرار گرفت و مأموران پس از ۴۰ دقیقه در نوازل مرزداران موفق به توقف خودرو شدند و دو سرنشین خودرو را که قصد فرار با پای پیاده داشتن دستگیر کردند و در بازرسی از خودروی متهمان آلات و ادوات سرقت از قبیل تیر آه و قیچی آهن‌بر که برای شکستن قفل‌ها از استفاده می‌کردند به دست آوردند. رئیس کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس گفت: در بررسی‌های پلیسی مشخص شد این خودرو نیز چند روز قبل از شهر کرج به سرقت رفته است و یکی از متهمان دارای ۱۱ سابقه زندان و دیگری پنج‌قره سابقه زندان دارد که هر یک چهارسال و یکسال و نیم در زندان بودند و پس از آزادی دست به سرقت از اماکن عمومی می‌زنند که برای سیر مراحل قانونی به مقام قضایی معرفی شدند.